

# اوج‌گیری دوباره بحران قره‌باغ: سابقه و پیامدهای محتمل

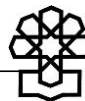
معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی  
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰  
شماره مسلسل: ۱۴۷۷۷  
فروردین‌ماه ۱۳۹۵

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۳.....	مقدمه.....
۳.....	۱. سابقه بحران قرهباغ.....
۵.....	۲. زمین‌های تداوم مناقشه قرهباغ.....
۱۰.....	۳. پیامدهای تشدید بحران قرهباغ.....
۱۴.....	نتیجه‌گیری.....
۱۵.....	منابع و مأخذ.....



## اوج گیری دوباره بحران قره‌باغ: سابقه و پیامدهای محتمل

### چکیده

قفقاز جنوبی بیش از چند دهه است که در حوزه‌های نزاع میان برخی کشورهای منطقه نظاره‌گر بحران و بی‌ثباتی می‌باشد. آذربایجان و ارمنستان طی یک فرآیند تاریخی درگیر اختلاف بر سر حاکمیت در منطقه قره‌باغ می‌باشند. روز ۱۴ فروردین مصادف با ۲ آوریل درگیری نظامی بین دو کشور رخ داد که تلفات مادی و انسانی برای آنها به همراه داشت. با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این منطقه سایر بازیگران ثالث اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز به مداخله روی آورده تا به الزامات ناشی از منافع خود پاسخ گویند. بنابراین مشاهده می‌شود که در فرآیند این بحران عوامل مختلفی اعم از درون‌زا و برون‌زا مؤثر هستند. عوامل تاریخی و اختلافات نژادی، زبانی و مذهبی و میراث به‌جای مانده از دوران اتحاد شوروی مهمترین عوامل درون‌زا هستند که به بروز این اختلاف منجر شده است. علاوه بر این، دخالت بازیگران خارجی نیز در تطویل و تشدید بحران مؤثر بوده است. روسیه خود را داعیه‌دار امپراتوری شوروی دانسته و منطقه موسوم به «خارج نزدیک» را محیط امنیتی بلافاصل و حیاط خلوتش می‌پندارد. ترکیه به‌دلایل قومی و زبانی و گرایشات پان‌ترکیستی با جانبداری از آذربایجان نقشی واگرا در فرآیند اختلاف و بحران قره‌باغ ایفا کرده است. در این میان ایران به‌دلایل

تاریخی که زمانی این قلمروها بخشی از حاکمیت سرزمینی آن را تشکیل می‌داده‌اند و هنوز هم در حوزه تمدنی ایران به‌شمار می‌آیند از یکسو و همچنین نگاه امنیتی تکمیل‌گرایانه به این منطقه که بروز هرگونه بی‌ثباتی و ناامنی در آن را تهدیدی علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند، ازسوی دیگر، تمایل به ایفای نقش میانجی در این بحران را دارد تا به حل‌وفصل همیشگی بحران کمک کرده باشد. علاوه‌بر این بازیگران فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و کشورهای اروپایی نیز به‌دلایل سیاسی مانند رقابت با روسیه و به‌دلایل اقتصادی عمدتاً در حوزه انرژی خود را صاحب منفعت در این منطقه دانسته و براساس رویکرد میانجیگرانه به دخالت می‌پردازند. رژیم صهیونیستی نیز یکی از مهم‌ترین بازیگران مداخله‌گر در این منطقه است. اما آنچه مسلم است آنکه بحران قره‌باغ پیامدهای امنیتی نه تنها برای منطقه قفقاز جنوبی به همراه دارد، بلکه این پیامدها شرایط امنیتی سایر بازیگران ثالث را نیز متأثر می‌سازد. مهمترین این پیامدها عبارتند از: گسترش حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای که می‌تواند بعضاً عامل واگرایی بوده و منطقه را از سیر طبیعی تحولات خود دور سازد؛ پیچیده‌تر شدن فرآیند حل‌وفصل مناقشه؛ امنیتی شدن فضای منطقه‌ای قفقاز جنوبی در قالب گسترش افراطی‌گرایی و حتی احتمال سوءاستفاده داعش از بحران در راستای مقاصد خود. این موارد به نوبه خود می‌توانند تبدیل به عواملی شوند که پیچیده‌تر شدن روند تحولات منطقه‌ای را در قفقاز جنوبی به‌دنبال خواهند داشت.



## مقدمه

بحران‌های منطقه‌ای به‌ویژه بعد از فروپاشی شوروی به یکی از مهم‌ترین منابع ناامنی در حوزه اوراسیا و از جمله در منطقه قفقاز جنوبی تبدیل شده‌اند. در این میان اختلاف میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ در قفقاز به بروز بحرانی طولانی در منطقه انجامیده است. در تازه‌ترین تحول در روز چهاردهم فروردین (۲ آوریل) نظامیان دو کشور در طول خطوط کنترل منطقه ناگورنو - قره‌باغ با یکدیگر درگیر شدند و نزاع دو کشور بر سر این منطقه بار دیگر به نقطه بحرانی و نزاع مسلحانه رسید. طی چند روز درگیری هر دو طرف اعلام کردند که ده‌ها تن از نیروهایشان در جریان تبادل آتش با نیروهای مقابل، کشته و زخمی شده‌اند. در نهایت پس از این درگیری‌ها آتش‌بسی با میانجیگری بازیگران ثالث به‌ویژه روسیه میان طرفین برقرار شد. با این حال مقامات آذری و ارمنی طرف مقابل را به نقض آتش‌بس متهم می‌کنند. این وضعیت چشم‌انداز بحران قره‌باغ را در هاله‌ای از ابهام و تاریکی قرار داده است.

## ۱. سابقه بحران قره‌باغ

بحران قره‌باغ با حوادث تاریخی درهم‌تنیده است و علاوه بر اذهان سیاستمداران کشورهای درگیر (آذربایجان و ارمنستان) در حافظه تاریخی مردم منطقه نیز نقش بسته است. با این اوصاف دشمنی بین دو قوم منحصر به مسائل سیاسی و ارضی نیست بلکه جنبه‌های قومی و مذهبی را نیز دربرمی‌گیرد. هر چند برخی بر این عقیده‌اند که این جنگ، مذهبی نیست ولی در عمل جنبه‌های مذهبی آن کاملاً مشهود است. درگیری

قره‌باغ رسماً از فوریه ۱۹۸۸ آغاز شد البته در دهه‌های قبل نیز آذری‌ها و ارامنه در خصوص منطقه با یکدیگر اختلافات تاریخی داشتند. ساکنان این منطقه در سال ۱۹۹۱ خواستار پیوستن به ارمنستان شدند. این خواسته آغازگر جنگ در قره‌باغ شد. هرچند میانجیگری مسکو طرفین را وادار به آتش‌بس کرد، اما این منطقه هیچ‌گاه شاهد توقف کامل درگیری‌ها نبوده و طرفین هر از چند گاهی اقدام به تبادل آتش می‌کنند. رویارویی دو طرف در قبال این منطقه یکی از مهمترین عوامل برهم‌زننده ثبات در قفقاز جنوبی بوده است. مناقشه قره‌باغ یکی از اولین و طولانی‌ترین جنگ‌های قومی در حوزه شوروی سابق به حساب می‌آید. آذربایجان و ارمنستان در اواخر دهه ۸۰ بر سر این منطقه وارد جنگ شدند، اگر چه در سال ۱۹۹۴ یک پیمان آتش‌بس به امضا رسید اما آنها به لحاظ فنی هنوز در جنگ هستند. حدود یک میلیون نفر به واسطه مناقشه ناگورنو - قره‌باغ بی‌خانمان شده‌اند و موضوع سکونت آنها به‌علاوه وضعیت آتی این سرزمین از جمله مسائل عمده‌ای است که باید حل‌وفصل شوند (<http://www.tabnak.ir>).

در ماه مه ۱۹۹۲، شهر «شوشا» و سپس شهر «لاچین» به تصرف نیروهای ارتش جمهوری ارمنستان درآمد. این درگیری‌ها از زمان «ابوالفضل ایلچی بیگ»، رئیس‌جمهور سابق آذربایجان، به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شد و در زمان وی بخشی از «کلبجر» و «آق‌دره» واقع در شمال قره‌باغ تحت اشغال نیروهای ارمنستانی قرار گرفت. در زمان تصدی «حیدر علی اف»، چهارمین رئیس‌جمهور آذربایجان، نیروهای ارمنی علاوه بر در اختیار گرفتن قره‌باغ به دیگر مناطق جنوب جمهوری آذربایجان سرازیر شده و شهرهای «آقدام»، «فضولی»، «جبرائیل»، «قبادلی» و «زنگلان» را تصرف کردند. بالاخره در ۱۲ مه ۱۹۹۴، در حالی که یک‌پنجم خاک آذربایجان در اشغال نیروهای ارمنی بود، بین



نیروهای دو کشور آتش‌بس برقرار شد. از آن سال به بعد تلاش‌هایی برای برقراری صلح دائم و اعاده وضعیت به حالت قبل صورت گرفته، ولی هیچ کدام از این اقدامات به حل نهایی مسئله منجر نشده است. در سال‌های پس از ۱۹۹۴ مذاکرات متعددی بین مقامات آذربایجان و ارمنستان انجام شد. به‌علاوه در این سالیان ابتکاراتی برای برقراری صلح در این منطقه، توسط کشورها و سازمان‌های مختلف از جمله گروه مینسک، ایران، فرانسه و آمریکا ارائه شده است (<http://www.ccsi.ir>).

## ۲. زمینه‌های تداوم مناقشه قره‌باغ

مناقشه قره‌باغ که بعضاً به تنش و بحران منتهی می‌شود، از جمله مناقشات طولانی‌مدت است که تحت تأثیر دو دسته از عوامل درون‌زا و برون‌زا از فرازونشیب برخوردار بوده است. عوامل درون‌زا معلول نوع و ماهیت پویش‌های منطقه‌ای است که به‌شدت تحت تأثیر مسائل قومی، نژادی و مذهبی قرار دارد. مناقشه قره‌باغ از این جهت از دو وجه آشکار قومی - نژادی و مذهبی برخوردار است. عدم انطباق مرزهای جغرافیایی با مرزهای انسانی از عوامل اصلی تنش بر سر منطقه ارمنی‌نشین قره‌باغ است. رهبران اتحاد شوروی به‌دلایل سیاسی این منطقه را تحت حاکمیت جمهوری آذربایجان درآوردند و طی سالیان متمادی به اعتراض و مطالبات ارامنه منطقه مبنی بر الحاق به ارمنستان و یا اعلام استقلال، وقعی ننهادند. نتیجه این اختلاف نظر تاریخی آن شده که تا به امروز هر از چندگاهی با بروز تنش و تصاعد آن، منطقه شاهد رویارویی نظامی میان دو کشور می‌گردد.

آذری‌ها با دادن خودمختاری به قره‌باغ در چارچوب نظام حقوقی جمهوری آذربایجان موافقت، ولی در این زمینه پیش‌شرطی را قائل هستند که شامل خروج بدون قید و شرط نیروهای ارمنستان از مناطق اشغالی است. این پیشنهاد موافق نظر مقامات ارمنستان نیست و آنها خواهان تعیین وضعیت حقوقی قره‌باغ و گرفتن تضمین‌های امنیتی لازم از آذربایجان هستند که مورد قبول و توافق ارمنه قره‌باغ و مجامع بین‌المللی باشد. لازم به ذکر است که جمهوری ارمنستان برای گشودن فضای بسته‌ای که از ناحیه ترکیه و آذربایجان ایجاد شده است، تلاش کرد تا رابطه خود را با روسیه و ایران تحکیم و توسعه بخشد. در عین حال توسعه روابط اقتصادی با کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا اهمیت ویژه‌ای برای این جمهوری داشت. تأکید ارمنستان بر سه شرط عدم واگذاری قره‌باغ به جمهوری آذربایجان، استقلال یا الحاق آن به ارمنستان و تأمین و تضمین امنیت بین‌المللی قره‌باغ، در مقابل مخالفت جمهوری آذربایجان با پیشنهاد طرح دولت عمومی برای قره‌باغ و واگذاری این منطقه به آذربایجان از پیشبرد جدی روند مذاکرات جلوگیری کرده است (<http://www.caspianstudies.com>).

در مقابل، سیاست باکو در این زمینه، مبتنی بر تأکید رهبران آن بر محفوظ دانستن حق خود در زمینه استفاده از هرگونه ابزاری برای بازپس‌گیری اراضی از دست رفته جمهوری آذربایجان و اعمال مجدد حاکمیت این کشور بر قره‌باغ کوهستانی به رغم پذیرش خودمختاری سطح بالای این منطقه می‌باشد. باکو، ایروان را به تلاش برای حفظ وضع موجود و ایروان نیز باکو را به استفاده از نیروی نظامی و عدم موافقت با حق تعیین سرنوشت ارمنه قره‌باغ متهم می‌کند. دیدارهای بیست‌ساله رؤسای آمریکایی، فرانسوی و روسی گروه مینسک نیز هیچ‌گاه به حصول توافق جامعی برای حل مسئله قره‌باغ منتهی





نشده است. به همین علت، مناقشه قره‌باغ به یکی از طولانی‌ترین مناقشات قومی حل شده در دنیا تبدیل شده است (<http://www.farsnews.com>).

بنابراین، علت اصلی همان اختلاف تاریخی و ارضی است که در یک فضای ملی‌گرایانه از سوی هر دو طرف دنبال می‌شود. به عبارتی، رویکرد ناسیونالیستی به این مسئله و رفتار مبتنی بر انگیزه‌های ملی‌گرایانه و فشار گروه‌های داخلی در هر دو جامعه به‌علاوه تلاش هر دو طرف برای حفظ مشروعیت سیاسی، می‌تواند از عوامل تداوم بحران و اختلاف بین دو کشور باشد. لذا می‌توان گفت اضافه شدن بُعد ناسیونالیستی به این اختلاف ارضی باعث شده است حل و فصل آن پیچیده‌تر شود به‌گونه‌ای که هرگونه حرکت تحریک‌کننده در خطوط تماس بین نیروهای نظامی دو طرف، باعث درگیری و تنش خواهد شد.

در مجموع باید گفت که گرچه رهبران نظامی و سیاسی جمهوری آذربایجان و ارمنستان و جدایی‌طلبان قره‌باغ هر یک، طرف مقابل را به آغاز تحریکات نظامی و تیراندازی منجر به درگیری گسترده متهم کرده‌اند، درخصوص علت گسترده شدن این درگیری، عوامل خارجی نیز مطرح شده است.

در دسته‌ای دیگر عوامل برون‌زا با اتخاذ سیاست‌های گوناگون و بعضاً مداخله‌جویانه و منفعت‌محور به نتایج مختلف از تداوم این مناقشه و بحران گرفته تا میانجیگری در جهت حل و فصل منجر شده‌اند. بازیگرانی مانند روسیه، آمریکا، اروپا و ترکیه با اتخاذ سیاست‌هایی بر مبنای متفاوت و بعضاً متعارض بر روند این مناقشه تأثیرگذارده‌اند. دولت‌های اروپایی قفقاز را همسایه بلافصل اروپا می‌دانند و از این‌رو، هرگونه بی‌ثباتی در قفقاز را مطلوب نمی‌پندارند. دولت‌های اروپایی در قالب سازمان امنیت و همکاری اروپا و

اتحادیه اروپایی در این بحران عمل کرده‌اند. مهمترین میانجی بین دو کشور در طول سال‌های منازعه، گروه موسوم به «مینسک» است. این گروه برخاسته از ابتکار سازمان امنیت و همکاری اروپا و دارای سه عضو اصلی شامل نمایندگان روسیه، فرانسه و آمریکا است. شورای امنیت ملل متحد پس از صدور چهار قطعنامه در سال‌های نخستین مناقشه با شناسایی گروه مینسک به‌عنوان میانجی، ادامه کار حل مناقشه را به این گروه سپرد. علیرغم موفقیت این گروه در برقراری آتش‌بس میان دو طرف، اما به دلیل اصرار ایروان و باکو بر مواضع خود این مناقشه تاکنون به صلح نرسیده است.

آمریکا از موضع رقابت با روسیه و اروپا سیاست افزایش نفوذ خود در حوزه قفقاز را دنبال می‌کند که از دو سیاست کلان سرچشمه می‌گیرد، از یکسو از سیاست گسترش نفوذ در مناطق مهم و حیاتی برای منافع ملی آمریکا نشئت می‌گیرد که گسترش ناتو به شرق را نیز توجیه می‌نماید. دو کشور آذربایجان و ارمنستان عضو پروژه مشارکت برای صلح در ناتو و هر دو خواستار عضویت در ناتو هستند. ازسوی دیگر، سیاست افزایش نفوذ منطقه‌ای آمریکا به سیاست‌های انرژی این کشور برمی‌گردد که هدف آن استفاده از منابع متنوع نفتی است و در همین راستاست که خطوط انتقال انرژی دریای خزر در اولویت سیاستگذاری انرژی واشنگتن است. در چنین شرایطی بحران قره‌باغ عامل بازدارنده‌ای است که هم کل منطقه را برای سرمایه‌گذاری‌های کلان ناامن می‌سازد و هم هزینه انتقال نفت و گاز را افزایش می‌دهد. آذربایجان به دنبال ترغیب آمریکا برای اعمال فشار بر ارمنستان جهت خروج از مناطق اشغالی است، اما عواملی مانند هم‌پیمانی ارمنستان با روسیه، تعداد قابل توجه ارامنه در کشورهای چین و آمریکا و فرانسه و وجود افراد صاحب‌نفوذ در میان آنان و همچنین وجود لابی‌های قدرتمند ارامنه در ایالات متحده



باعث شده است آذربایجان نتواند به سادگی به اهداف خود در این زمینه دست یابد. ترکیه بر مبانی قومی و زبانی از ابتدای درگیری، به جانبداری از جمهوری آذربایجان پرداخت و تمامی روابط خود را با ارمنستان قطع کرد. اقدامات یکجانبه و مداخله‌جویانه آنکارا باعث شد که نقش ترکیه در این بحران، واگرایانه ارزیابی شود. تلاش‌های ارامنه برای مسئول قلمداد کردن حکومت عثمانی در کشتار دسته‌جمعی ارامنه در ۱۹۱۵ و تصویب این موضوع در برخی از پارلمان‌های کشورهای غربی مانند فرانسه، ترکیه را هر چه بیشتر نسبت به نفوذ ارامنه در میان جوامع دیگر خشمگین کرد. البته آنکارا در سالیان اخیر تا حدودی تلاش کرده در راستای الحاق به اتحادیه اروپا روند نزدیکی به ارمنستان و رفع زمینه‌های سوءتفاهم فیما بین را فراهم سازد.

روسیه از ابتدای بحران قره‌باغ نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. برخلاف جمهوری آذربایجان که در سال‌های پس از استقلال رابطه مطلوبی با روسیه نداشت ارمنستان به توافق‌های اساسی با روسیه نائل آمده و بین این دو کشور پیوندهای امنیتی برقرار شده است. روسیه در دوران ریاست‌جمهوری پوتین، کوشیده است تا ضمن حفظ روابط استراتژیک با ارمنستان، روابط جدیدی را با آذربایجان تعریف کند. هرچند با توجه به نقش عمده گروه مینسک برای حل این بحران، روسیه تلاش می‌کند در چارچوب گروه مینسک نه تنها از تشدید درگیری جلوگیری کند، بلکه دیپلماسی چندجانبه خود را که در مورد سوریه هم عملی شده است، در این نیز در راستای همکاری با بازیگران دیگر تقویت کند (هرتزیگ، ۱۳۷۵: ۲۰۳).

مواضع دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به جمعیت عظیم آذری و همچنین اقلیت ارمنی که در ایران زندگی می‌نمایند از حساسیت زیادی بین مردم دو جمهوری

آذربایجان و ارمنستان برخوردار بوده است. ایران از ابتدا تجاوز ارمنستان به خاک آذربایجان را محکوم کرد و ادامه آن را اشغال سرزمین با توسل به زور دانست. در جریان جنگ، ایران چندین بار برای میانجیگری تلاش کرد، اما در آن هنگام آمریکا، روسیه و ترکیه حضور ایران در جریان میانجیگری را مخالف منافع خود می‌دانستند و نهایتاً ارتباط ایران با گروه مینسک قطع شد. از سال ۱۹۹۴ به بعد، ایران برای داشتن روابط معقول با دو طرف منازعه، کوشید ضمن کمک به پناهندگان آذری و تسهیل جریان ترانزیت کالا بین نخجوان و آذربایجان، از قطع کامل ارتباط ارمنستان با جهان خارج جلوگیری کند. سیاست‌های پان‌ترکیستی آذربایجان، اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر، نوع روابط ایران و روسیه و روابط باکو با رژیم صهیونیستی از موضوعات مهم در روابط دو دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بوده است. با این وجود، ایران روابط اقتصادی خوبی با آذربایجان داشته است (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۳۱).

### ۳. پیامدهای تشدید بحران قره‌باغ

بحران جاری قره‌باغ که در واقع حاصل شدت‌یابی و تنش‌های تاریخی میان آذربایجان و ارمنستان است، هر از چندگاه شعله‌ور می‌شود. هر چند در حال حاضر میان دو طرف آتش‌بس برقرار شده است، اما این آتش‌بس از شرایط ناپایدار برخوردار است به گونه‌ای که دو طرف همدیگر را به نقض آن متهم می‌کنند. طبعاً اگر طرفین به سیاست‌هایی روی آورند که موجب تشدید و تطویل تنش شود در این صورت می‌توان پیامدهایی را برای آن ترسیم کرد که بدین شرح قابل ذکر می‌باشند:



## – افزایش نقش و مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای

از آنجایی که بازیگران مختلف فرامنطقه‌ای هر یک به فراخور اهداف و منافع خاص خود با دقت و حساسیت نظاره‌گر تحولات در قفقاز جنوبی می‌باشند، با تغییر در روند مناقشه قره‌باغ در جهت شدت‌یابی و رویارویی مستقیم به ایفای نقش و نفوذ در منطقه روی می‌آورند. در این میان بازیگرانی مانند آمریکا فرصت مناسبی جهت تثبیت نقش و نفوذ خود در این قلمرو جغرافیایی می‌یابند که از یکسو تأمین‌کننده منافع اقتصادی آن به‌ویژه در حوزه انرژی است و ازسوی دیگر برآورنده منافع استراتژیک آن در راستای محدودسازی روسیه است. مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای در پویش‌های منطقه‌ای تا آنجا که به نزدیکی مواضع طرف‌های درگیر منجر شود و بر مبانی جغرافیایی قابل توجیه صورت پذیرد، می‌تواند مؤثر و سازنده باشد. اما در غیر این‌صورت با فراهم شدن بستر برای گسترش مداخله‌جویی بازیگران فرامنطقه‌ای و تبدیل آن به یک رویه مرسوم باعث می‌شود که نوعی روند تخریبی در قلمرو بحران شکل گیرد که پویش‌های منطقه‌ای را از وضعیت و حالت طبیعی خود دور خواهد ساخت. در شرایط موجود ادامه بحران قره‌باغ می‌تواند با پررنگ کردن حضور بازیگرانی مانند آمریکا، اروپا و ترکیه و برانگیختن حس رقابت‌گری روسیه به پیچیدگی بیشتر بیانجامد و بُعدی فرامنطقه‌ای نیز بدان ببخشد.

## – امنیتی شدن منطقه و تضعیف اولویت توسعه

مناطق آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مناطقی در نظام بین‌الملل به حساب می‌آیند که به‌شدت نیازمند پیمودن مسیر توسعه و حل‌وفصل مشکلات و معضلات ناشی از عقب‌ماندگی اقتصادی هستند. دولت‌های منطقه امید دارند که با جذب سرمایه‌گذاری خارجی از جمله از جانب کشورهای چینی و دولت‌های اروپایی بخشی از مشکلات

اقتصادی خود را مرتفع نمایند. طبیعتاً رفع اساسی این مشکلات نیازمند اصلاح ساختارهای نامناسب اقتصادی و اداری در کشورهای منطقه نیز می‌باشد. اما به هر حال توجه به این فرآیند و قرار گرفتن در مسیر توسعه نیازمند وجود فضای امن و باثبات در منطقه است. اوج‌گیری بحران قره‌باغ به واسطه تضعیف این فضا و امنیتی کردن روندهای حاکم بر منطقه، در حاشیه قرار گرفتن اولویت‌ها و ترجیحات اقتصادی را در حوزه ماورای قفقاز به دنبال خواهد داشت. در واقع امنیتی شدن فضای منطقه باعث خواهد شد که دولت‌های ضعیف قفقاز جنوبی منابع و ظرفیت‌های محدود خود را که قاعداً باید در خدمت رفع مشکلات اقتصادی و اصلاح ساختارهای داخلی‌شان باشد معطوف به فرآیندها و فعالیت‌های نظامی و امنیتی نمایند. چنین شرایطی قطعاً به تداوم و تعمیق وضعیت توسعه‌نیافتگی دولت‌های منطقه منجر خواهد شد. تشدید بحران قره‌باغ بر شدت ادراکات امنیتی متضاد و متعارض میان بازیگران منطقه‌ای و به‌ویژه میان طرف‌های اصلی درگیر می‌افزاید. هر چه بر میزان، وسعت و گستره امنیتی شدن فضای منطقه‌ای افزوده شود، حل‌وفصل مناقشه نیز دشوارتر می‌گردد. بنابراین، از یکسو، شدت‌یابی مناقشه قره‌باغ به امنیتی شدن فضای منطقه منجر می‌شود و از سوی دیگر، امنیتی شدن بیشتر منطقه، خود به‌شدت و تداوم مناقشه می‌انجامد. این وضعیت متداخل حاصلی برای هیچ یک از طرف‌های درگیری دربر نخواهد داشت.

### – احتمال سوءاستفاده افراط‌گرایان از بحران قره‌باغ

تجربه اخیر درباره گسترش نقش و فعالیت مخرب گروه‌های افراطی مانند داعش نشان می‌دهد که این گروه‌ها در مناطقی که خلأ امنیتی شکل گرفته و سطح تنش و درگیری‌ها در آنجا بالا رفته امکان ظهور و بروز بیشتری دارند. لذا بازگشت به درگیری و



تنش در منطقه قفقاز جنوبی با توجه به رشد افراط‌گرایی و رادیکالیسم و فعالیت گروه‌هایی همچون داعش در منطقه غرب آسیا می‌تواند زمینه فعالیت و جذب نیرو برای آنها را فراهم‌تر کند؛ به‌گونه‌ای که امروز شاهد هستیم که نیروهای افراط‌گرای داعشی برای حفظ و بقای خود از تاکتیک جابجایی سیال در مناطق جغرافیایی ناامن بهره می‌گیرند. بنابراین، در صورت تشدید و تداوم درگیری‌ها در منطقه قره‌باغ در این دوره زمانی می‌توان انتظار داشت که افراط‌گرایان داعش از این بحران حداقل به‌منظور منحرف ساختن تمرکز جهانی از مقابله با تروریسم در حوزه‌های فعالیت خود همچون سوریه و عراق بهره ببرند.

#### – پیچیده‌تر شدن موضوع و فرآیند حل‌وفصل مناقشه

هرچه بر میزان و شدت فرازونشیب‌های یک موضوع مورد مناقشه افزوده می‌شود، موضوع پیچیده‌تر شده و از این حیث هم موضوعات جدید به مناقشه موجود اضافه می‌گردند و هم بازیگران بیشتری درگیر می‌شوند و یا بازیگران موجود درگیر بر برد و گستره فعالیت‌ها یا مداخلات خود می‌افزایند. در هر صورت، نتیجه امر پیچیده‌تر شدن بیشتر مناقشه است که فرآیند حل‌وفصل آن را دشوارتر و یا طولانی‌تر می‌سازد. بر همین اساس تشدید بحران قره‌باغ از این جهت که دخالت بیشتر بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای را قفقاز جنوبی به‌دنبال خواهد داشت بر سطح پیچیدگی آن خواهد افزود. این امر در صورت تکرار و تداوم می‌تواند آثار مخربی برای آذربایجان و ارمنستان به‌عنوان طرف‌های اصلی درگیر به همراه داشته باشد و عدم مطلوبیت استراتژیک برای بازیگرانی مانند ایران و روسیه را رقم بزند.

## نتیجه‌گیری

بحران قره‌باغ نشان‌دهنده عمق شکاف‌های قومی و هویتی میان دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان است. شمار پناهندگان و آواره‌های بجا مانده از درگیری‌ها و قربانیان بازمانده نیز نشان از پیچیدگی و دشواری در حل مناقشه قره‌باغ در آینده دارد. اختلافات ارضی همواره بهانه‌ای برای بروز اختلافات هویتی و قومی است. اختلافاتی که گاه از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای تشدید می‌شود و دستاویز دوستی‌ها و دشمنی‌های کشورهای مؤثر در این منطقه می‌باشد.

براساس آنچه بیان شد می‌توان بحران قره‌باغ را پویایی امنیت‌زدا در منطقه قفقاز تلقی کرد که البته آثار آن در جهت بی‌ثبات کردن منطقه محدود به قلمرو مشخصی نمی‌باشد و سایر مناطق و بازیگران، از همسایگان مانند روسیه، ایران و ترکیه گرفته تا اروپا و آمریکا، را نیز دربرمی‌گیرد. البته با توجه به منافع فراوان سیاسی و اقتصادی که کشورهای مختلف اعم از طرف‌های درگیر و کشورهای ثالث در منطقه قفقاز دارند به‌نظر نمی‌رسد که روند موجود به یک جنگ تمام‌عیار بین آذربایجان و ارمنستان تبدیل شود. در واقع، منافع تمامی بازیگران درگیر اعم از مستقیم و غیرمستقیم ایجاب می‌کند که بحران تحت کنترل درآید و از تصاعد بیشتر آن جلوگیری به‌عمل آید. اگرچه در این میان فرصتی برای برخی بازیگران مانند آمریکا، اروپا، ترکیه و رژیم صهیونیستی سطح دخالت‌های منطقه‌ای خود بیافزایند، اما بی‌ثباتی در این قلمروی حساس پیامدهای نامطلوب سیاسی و اقتصادی برای همه به همراه خواهد داشت که آنها را از تداوم بحران می‌هراساند. ضمن اینکه طرف‌های اصلی درگیر نیز از توان و اراده معطوف به ادامه درگیری برخوردار نمی‌باشند.



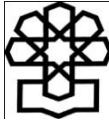


گذشته از این، ناکارآمدی مدیریت از راه دور غرب در خاموش ساختن و حل و فصل ریشه‌ای بحران قره‌باغ امروز بیش از هر زمان ضرورت ورود کشورهای خیرخواه همسایه آذربایجان و ارمنستان را برای حل و فصل این بحران نمایان ساخته و در این میان نقش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که دارای مرزهای مشترک با دو طرف مخاصمه بوده و روابط نزدیکی با باکو و ایروان دارد و همواره خواستار پایان مسالمت‌آمیز این مناقشه بوده است بسیار مهم و تأثیرگذار خواهد بود.

اکنون به‌نظر می‌رسد زمان فعال شدن دیپلماسی ایرانی برای ایجاد ثباتی پایدار در منطقه فرا رسیده است، تهران می‌تواند با تلاشی منطقه‌ای - بین‌المللی که روسیه را نیز به‌عنوان همسایگان آذربایجان و ارمنستان در کنار سازمان ملل متحد شامل می‌شود، در جهت حل و فصل ریشه‌ای بحران قره‌باغ اقدام نموده و ابتکار عمل را برعهده گیرد. نشست سه‌جانبه وزرای امور خارجه ایران، روسیه و آذربایجان در روز ۱۹ فروردین می‌تواند به منزله نقطه آغاز شکل‌گیری یک اقدام منطقه‌ای منسجم و تأثیرگذار در حل و فصل بحران قره‌باغ باشد.

### منابع و مأخذ

1. <http://www.Tabnak.ir/577704>
2. <http://www.ccsi.ir/vdci.3asct1asubc21.html>
3. <http://www.caspianstudies.com/article/karabckh>
4. <http://www.Farsnews.com/newstext>
۵. هرتزیک، ادموند. سیاست خارجی ارمنستان و آذربایجان، ترجمه نعمت‌اللهی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، بهار ۱۳۷۵.
۶. امیراحمدیان، بهرام. روند تحولات در بحران قره‌باغ، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان ۱۳۷۸.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۷۷۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اوج‌گیری دوباره بحران قره‌باغ: سابقه و پیامدهای محتمل

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: فاطمه سلیمانی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. آذربایجان

۲. ارمنستان

۳. قره‌باغ

۴. ایران

۵. روسیه

۶. ترکیه



تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۱/۲۱